



## ادعیه ابوحزمه و کمیل دوره زیبای عرفان هستند / دعا و نیایش قرآن صاعد است

یک استاد فلسفه و عرفان با بیان اینکه به تعبیر حضرت امام خمینی(ره) دعا و نیایش قرآن صاعد است، گفت: همان طور که قرآن در ماه مبارک رمضان نازل می‌شود و بر قلب‌های ما فرود می‌آید ادعیه خصوصاً ادعیه مأثور، قرآن صاعد است. ایام ماه مبارک رمضان که بهترین ایام هم برای قرآن نازل و هم برای قرآن صاعد است را از دست ندهیم.

یک استاد فلسفه و عرفان با بیان اینکه به تعبیر حضرت امام خمینی(ره) دعا و نیایش قرآن صاعد است، گفت: همان طور که قرآن در ماه مبارک رمضان نازل می‌شود و بر قلب‌های ما فرود می‌آید ادعیه خصوصاً ادعیه مأثور، قرآن صاعد است. ایام ماه مبارک رمضان که بهترین ایام هم برای قرآن نازل و هم برای قرآن صاعد است را از دست ندهیم.

به گزارش خبرنگار مهر، دعا و نیایش جایگاه مهمی در دین اسلام دارند. بسیاری از معارف اسلامی در قالب ادعیه از ائمه(ع) به دست ما رسیده است. اخیراً حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قاسم کاکایی، استاد فلسفه و عرفان دانشگاه شیراز کتاب جدیدی با عنوان «دعا و نیایش؛ هنگام نیایش چه می‌کنیم؟» را ترجمه کردند. این اثر نوشته «171#&» و نسان برومر «&raquo; استاد فلسفه دین دانشگاه اتریش هلند است که با تعلیقات و مقدمه مفصل در واقع بومی شده است. در گفت‌وگویی با وی به بحث در رابطه با اهمیت این کتاب و نقش دعا در زندگی انسان‌ها پرداختیم که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

\*آقای دکتر! چرا این اثر را برای ترجمه انتخاب کردید، مسلماً باید کتاب وزینی باشد که شما آنرا انتخاب کردید؟

عنوان اصلی کتاب «دعا و نیایش؛ هنگام نیایش چه می‌کنیم؟» تألیف پروفیسور «171#&» و نسان برومر «&raquo; یکی از مطرح‌ترین فیلسوفان معاصر دین است که در زمینه فلسفه دین کتاب‌های متعددی نوشته است و از جمله کتاب‌هایش که جوایز متعددی در سطح بین‌المللی را به خود اختصاص داده، همین کتاب است. آقای برومر استاد دانشگاه‌های مختلف اروپا و رئیس انجمن فلسفه دین اروپا بوده است و در ضمن واعظ کلیسای پروتستان هم هست که وعظ‌های زیبایی دارد. این کتاب به بحث فلسفه نیایش و دعا می‌پردازد و به یک سری سؤالات در این زمینه پاسخ می‌دهد تا نشان دهد که فی‌الواقع هنگام نیایش چه می‌کنیم؟ این کتاب دو بار به زبان اصلی منتشر شد، چاپ اول مختصرتر بود و در چاپ دوم و با ویراست جدید سه فصل دیگر هم شامل رابطه دعا و ایمان و نیز کالبدشکافی ایمان به آن اضافه شده است. ویراست دوم این کتاب با همکاری دو تن از دوستان، آقایان «171#&» اشکان بحرانی «&raquo; و «171#&» مسعود رهبری «&raquo; زیر نظر بنده ترجمه شده و اخیراً از سوی نشر هرمس چاپ و منتشر شده است. بنده بنا به نظر پروفیسور برومر، مقدمه نسبتاً مفصل و نیز تعلیقات مفصلی بر کتاب نگاشته‌ام. چرا که هر چند بحث کتاب، عام و در مورد فلسفه نیایش است ولی مثال‌هایش در فضای مسیحی ارائه شده است. نظر ایشان این بود که با بنده با مقدمه و تعلیقاتی که اضافه می‌کنم کتاب را به فضای اسلامی - ایرانی بیاورم تا برای خواننده مسلمان ایرانی ملموس و روشن باشد. لذا با این مقدمه و تعلیقات می‌توان گفت که نوعی گفت‌وگوی بین اسلام و مسیحیت در بحث مهم نیایش نیز در این کتاب صورت پذیرفته است.

\*اینکه نویسنده‌ای مسیحی کتابی در مورد نیایش بنویسد که به صورت عام است و به درد مسلمان‌ها هم می‌خورد، نشان از چه چیزی دارد؛ نشان از وحدت ادیان یا نشان از وحدت الهیات مسیحی و اسلامی و ... دارد؟

در مقدمه کتاب به این مسأله اشاره کردم. ادیان ابراهیمی، اشتراکاتی دارند. همان طور که می‌دانید نیایش در فرهنگ مسیحی جایگاه مهم و خاصی دارد چنانکه در فرهنگ اسلامی نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. اگرچه به نظر ما تحریف‌هایی در کتاب مقدس صورت گرفته، اما این تحریفات کمتر در حوزه نیایش‌هاست. در سایر مسائل و احکام و جریانات اعتقادی ممکن است تحریقاتی صورت گرفته باشد اما در حوزه نیایش کمتر این انحرافات مشاهده می‌شود. مثلاً دعاهایی که در زبور داوود(ع) آمده و اکنون در کتاب مقدس هست، دعاهای بسیار زیبایی است که به دعاهای مأثور از جانب حضرت ختمی مرتبت(ص) و ائمه(ع) بسیار نزدیک است، لذا اگر فضا را فضای ادیان ابراهیمی ببینیم این اشتراکات، عجیب نیست. برومر در فرهنگ مسیحی بحث فلسفی‌ای در مورد نیایش مطرح کرده است که می‌توان گفت به فلسفه دین مربوط است و برای مسلمانان هم قابل استفاده است. چون نیایش در ذات خویش جنبه معنوی دارد این کتاب می‌تواند باب گفت‌وگوی بین ادیان در مسائل و جنبه‌های معنوی و عرفانی را نیز باز کند.

واقعیت این است که قرار بود این کتاب برای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران امسال منتشر شود ولی نمی‌دانم چه تصادفی در کار

بود که کارها طوری پیش رفت که خود به خود کار نشر این کتاب به ماه مبارک رمضان یعنی به ماهی که بهار نیایش است منجر شد. ناشر کتاب سه سفر به ایران آمد که باعث آشنایی و همنشینی طولانی بنده با ایشان در هر سه سفر شد و نیز زمینه آشنایی بیشتر ایشان را با اسلام شیعی را فراهم ساخت. ایشان در مقدمه‌ای که بر چاپ فارسی این کتاب نگاشته است در مورد رابطه میان اسلام و مسیحیت می‌نویسد: «#171؛ اختلافی که بین اسلام و مسیحیت است خیلی کمتر از اختلافی است که بین فرقه‌های مختلف مسیحیت وجود دارد!»؛

\*آیا نیایش با دعا فرق دارد؟

دعا به یک معنای مضیق اخص از نیایش است. اولین چیزی که در بحث دعا به ذهن عموم مردم می‌رسد حاجت‌خواهی از خداست، یعنی ما چیزی را از خدا درخواست می‌کنیم و حاجتی داریم. بیشتر مردم هم حاجت‌های دنیوی و مادی در نظرشان هست مثلا از خدا می‌خواهند گرهی را باز کند و راهی را بگشاید. یعنی اکثرا دعا را مترادف با حاجت‌خواهی تلقی میکنند. نیایش اعم از دعا به این معنای مضیق است. اما واژه «#171؛ دعا»؛ که در فرهنگ اسلامی به کار برده شده است - و ما واژه فارسی «#171؛ نیایش»؛ را معادل آن به کار می‌بریم - حوزه‌ای اعم از این معنا دارد. بله بخشی از آن حاجت‌خواهی است. اما اولاً منحصر به حاجت‌خواهی نیست و ثانیاً حاجت‌خواهی در آن، منحصر به حاجت‌های مادی و دنیوی هم فقط برای شخص نیایشگر نمی‌شود. در نیایش ما گاه خدا را سپاس می‌گزاریم و شکرگزاری می‌کنیم، بدون آنکه چیزی از او بخواهیم. این نیایش است ولی به معنای اخص حاجت‌خواهی نیست. گاه در نیایش صرفاً خدا را ستایش می‌کنیم. بیشتر فقرات دعاهایی که معصومین(ع) تعلیم فرموده‌اند بیان صفات خداست. یعنی حمد و مدح خدا را می‌کنیم که بدون حاجت‌خواهی نیست. نیایش گاهی وقت‌ها استغفار و توبه و بازگشت از گناه است. وقتی کاری انجام داده‌ایم که از آن پشیمان و نادم هستیم، به سوی خدا برمی‌گردیم و لذا همه این حوزه‌ها نیایش است ولی واژه دعا گاه به معنی اخص یعنی به معنای حاجت‌خواهی به کار برده می‌شود و گاه به معنای اعم که مترادف با نیایش است.

\*مباحث اصلی کتاب درباره چیست و به چه مسائلی می‌پردازد؟

این کتاب به‌عنوان فلسفه نیایش به یک سری سؤالات جواب می‌دهد و مسائل مختلف در مورد دعا و نیایش را قسمت‌بندی می‌کند. مثلا به این می‌پردازد که آیا دعا به معنای حاجت‌خواهی تأثیر دارد یعنی وقتی چیزی را از خدا می‌خواهیم، این کار اثر دارد یا نه؟ اگر اثر دارد ما چگونه می‌توانیم تحقیق کنیم که اثرگذار است یا خیر؟ خداوند فرموده است «#171؛ ادعونی استجب لکم: بخوانید مرا، تا اجابت کنم شما را.»؛ دعا کردن و اجابت کردن به صورت یک شرطیه اگر - آنگاه مطرح شده است. اگر مرا بخوانید آنگاه من اجابت می‌کنم. ما چگونه می‌توانیم این را تحقیق کنیم؟ آیا به روش آزمایشگاهی که در مسائل علمی اگر - آنگاه را بررسی می‌کنند می‌توان در مورد تأثیر دعا تحقیق کرد. پروفیسور برومر این امر را نفی می‌کند. برخی معتقدند که به روش آماری می‌توانیم تحقیق کنیم که آیا واقعا دعا مؤثر است یا خیر. برخی از غربی‌ها به شیوه آماری تحقیق کردند و گفتند: نه! دعا مؤثر نیست. مثلا مشاهده می‌کنیم که یک‌سری افراد هستند که بیشتر مردم برای طول عمر آنها دعا می‌کنند و یک سری افراد هم هستند که کسی برای طول عمر آنها دعا نمی‌کند. آمارگیری کردند تا بفهمند آنهایی که برای طول عمرشان دعا شده واقعا عمرشان بیشتر از افرادی است که برای طول عمرشان دعا نشده است؟ جواب منفی بوده است. خیلی از اوقات بوده که طول عمر گروه اول کمتر یا مساوی بوده است.

به هر حال آمار ثابت نمی‌کند که افرادی که برای طول عمرشان دعا شده است واقعا طول عمرشان بیشتر از دیگران بوده باشد. در ایران هم برخی برای مقابله با این اعتقاد، به خصوص بعد از انقلاب، به همین روش تحقیق کردند. به طور مثال ایشان بیمارانی که برای شفایشان دعا شده (یا خودشان دعا کردند و یا دیگران دعا کردند) را با بیمارانی که برایشان دعا نشده است - به شرط خدمات پزشکی و درمان و شرایط یکسان - مقایسه کردند تا به زعم خویش ثابت کنند که آنهایی که برای شفایشان دعا شده بیشتر شفا پیدا کردند تا آنهایی که برایشان دعا نشده است. برومر، این شیوه را هم نقد می‌کند. البته ما هم به این قضیه نقد داریم. این گونه نمی‌توان در مورد دعا صحبت کرد. سخن در این است که: آیا دعا بر خدا تأثیر دارد یا بر روند امور و یا بر شخص نیایشگر؟ در صورت اخیر یعنی ما که دعا می‌کنیم صرف همین که از خداوند چیزی می‌خواهیم بر خود ما اثر دارد و در ما تغییری ایجاد می‌کند.

در اینجا آقای برومر این سؤال را مطرح می‌کند که آیا در صرت اخیر که دعا مثلا شادی یا امید را در شخص نیایشگر ایجاد می‌کند نقش آن صرفاً یک نقش روان‌درمانی است، لذا ممکن است به جای دعا در این موارد بتوانیم به یوگا و یا به شیوه‌های روان‌درمانی متوسل شویم. دعا هم یکی از این شیوه‌هاست. آقای برومر بار دیگر همین مطلب را نقد می‌کند و به این نکته می‌رسد که رابطه ما با خدا رابطه من - تو و رابطه عاشقانه است. در واقع دعا، راز و نیاز عاشقانه است. چه بسا که حوائج مادی را بهانه قرار می‌دهیم تا با این بهانه با معشوق خود سخن بگوئیم و محبت کنیم. با دعا، این سخن گفتن و ارتباط با معشوق اگر وجود نداشت ایجاد می‌شود و اگر وجود داشت تقویت می‌شود. یعنی در واقع نیایش نوعی عشق‌ورزی با خداست.

ائمه اطهار(ع)، امام سجاد(ع) و بسیاری از بزرگان دین به هر بهانه‌ای دعا می‌کردند، حتی روایت وجود دارد که خدا به حضرت موسی(ع) می‌گفت نمک سفره‌ات را از من بخواه. ولی این بهانه ای است که ما حضور خدا را در همه جا حس کنیم و به تعبیری که

آقای برومر دارد به طور کلی همه زندگی‌مان، نیایش شود. اصلا در تمام زندگی، حضور خدا را برای همه حاجات و حتی مسائل روزمره بخواهیم حس کنیم، لذا می‌گوید دعا نسخه صغیر (مینیاتوری) از زندگی مؤمنانه است. گاهی وقت‌ها رابطه ما با معشوق قطع شده و بر می‌گردیم و توبه و ندامت و اظهار پشیمانی می‌کنیم. همه اینها به شرطی است که ما خدا را شخص بدانیم نه شیء. خدا شخص باشد نه چیزی که ما از او نیرو و یا جواب می‌گیریم. مثلا خدا ماشینی باشد که از یک طرف دعا وارد آن می‌شود و از طرف دیگر اجابت می‌کند. خدا شخص است. قرآن از خدا تعبیر من (کسی) دارد نه ما (چیزی)، لذا با این رویکرد معنای دعا عوض می‌شود و ما می‌خواهیم به بهانه‌های مختلف با خداوند و معشوق خودمان سخن بگوئیم. نهایتا آقای برومر در قسمت حاجت‌خواهی و همین طور در قسمت توبه و ستایش به این نتیجه می‌رسد.

گاهی اوقات ما معشوق خود را ستایش و یا از او سپاسگزاری می‌کنیم. این باعث شناخت بیشتر ما از او می‌شود، مثلا در دعای جوشن، هزار اسم خدا را می‌خوانیم و ذکر می‌کنیم. این تکرار و تکرار باعث شناخت بیشتر ما از معشوق می‌شود. آقای برومر ضمن این مسائل به یک سری سؤالات دیگر هم در مسأله دعا و حاجت‌خواهی پاسخ می‌دهد که با همین تحلیلی که گفتم برخی از همان سؤالات هم جواب داده می‌شود.

\*در پایان اگر نکته خاصی وجود دارد بفرمایید؟

ماه مبارک رمضان، ماه نیایش است. به تعبیر حضرت امام خمینی(ره) دعا و نیایش قرآن صاعد است. همان طور که قرآن در ماه مبارک رمضان نازل می‌شود و بر قلب‌های ما فرود می‌آید دست‌های ما با دعاهایی، خصوصا دعاهایی که به ما آموزش دادند قرآن صاعد است.

دعای ابوحمزه ثمالی یک دوره زیبایی تمام عیار عرفان است. دعای کمیل، یک دوره زیبای عرفان است. این ادعیه دست ما را به سمت آسمان بلند می‌کند که به قول حافظ &#171;ما برآریم شبی دست و دعایی بکنیم"; دعا همان قرآنی است که بر قلب ما نازل شده است. همان معرفتی که در قلب ما فرود آمده ما را بالا می‌برد و به اوج می‌رساند به تعبیر مولانا، اگر خدا بخواهد و دستگیری کند، دعا ما را همنشین ملائک می‌کند. ان‌شاءالله ایام ماه مبارک رمضان که بهترین ایام هم برای قرآن نازل و هم برای قرآن صاعد است را از دست ندهیم.